

اخبار

رونمایی از سومین نقاشی قدیران برای شهید حججی

عبدالحمید قدیریان که تاکنون ۲ نقاشی «خشوع فرشتگان» و «پیام آسمانی» را با موضوع شهید حججی اجرا کرده‌است، از انجام مراحل پایانی نقاشی سوم خبر داد. به گزارش فارس، عبدالحمید قدیریان مسئول دفتر مطالعات کاربردی واحد تخصصی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: سومین اثرم «بزودی لشکر شهید» است که در ایام حدودی ۱۲۰۰ از ۱۵۰۰ سانتی‌متر با تکنیک رنگ روغن اجرا شده‌است. وی درباره اثر هنری افزود: این تابلو بیانگر بی‌وسنت شهید محسن حججی به لشکر شهداست و خوانند از این لشکر برای پیشبرد اهدافش بهره‌می‌گیرد. قدیریان درباره زمان رونمایی این اثر گفت: در حال کار روی تابلو هشتم و ن‌شاه‌الله در همین هفته یا هفته آتی آماده رونمایی می‌شود. این هنرمند تأکید کرد: خدا را شاکرم مراد دورانی به دنیا فرستاده که پر از ماجراهای بزرگ‌است و به‌من این اختیار را داده تا در مقابل شان بی تفاوت نباشم. به فرموده رهبر انقلاب «شهید حججی، حجت‌خداوند در مقابل چشمان همگان بود». او یک آیه‌الهی بود و نباید به‌سادگی از کنارش عبور کرد. براساس این گزارش، قدیریان تاکنون ۲ تابلو با نام‌های «خشوع فرشتگان» و «پیام آسمانی» را نقاشی کرده که اولی به‌صورت دیجیتال است و نقاشی دوم از تکنیک رنگ روغن بهره‌می‌برد.

■ ■ ■

«گلعلی بابایی» با زندگی‌نامه سردار خبیر در فرانکفورت

گلعلی بابایی با ترجمه انگلیسی ۲ کتاب «ماه همراه بچه‌هاست» و «گردان نهم» در شصت و نهمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور پیدا می‌کند. به گزارش تسنیم، گلعلی بابایی، نویسنده دفاع‌مقدس در شصت و نهمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت که از ۱۹ تا ۲۳ تاسمهر ۱۳۹۶ (۱۱ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷) در شهر فرانکفورت برگزار می‌شود، حضور خواهد داشت. بابایی به نیابت از انتشارات بعثت (سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ) در این دوره حضور خواهد یافت. همچنین ۲ کتاب از گلعلی بابایی به نام‌های «گردان نهم» و «ماه همراه بچه‌هاست» به انگلیسی ترجمه شده‌است که در غرفه ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت عرضه خواهد شد. «گردان نهم» گزارش عملکرد دو کارنامه کاری گران‌حیثیت مظهر است. سخنان شهید همت از فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله آغازگر کتاب است. «ماه‌همراه بچه‌هاست» دیگر کتاب گلعلی بابایی شامل زندگی‌نامه شهید محمدابراهیم همت است که از کودکی تا زمان شهادت وی را در برمی‌گیرد. هر دو این آثار به کوشش ابراهیم رحمان‌پور به زبان انگلیسی ترجمه شده‌است.

■ ■ ■

پاسخ افشین علا به قدرشناسی رهبر انقلاب



افشین علا گفت: در تماشای از دفتر مقام معظم رهبری، پیام سپاس و قدردانی ایشان به ملت ۲ شعری که برای شهید محسن حججی سرودم به اطلاع بنده رسید. به گزارش فارس، افشین علا شاعر کشورمان در ارتباط با تقدیر رهبری از اشعارش گفت: ایشان پیش از این نیز در ملاقات‌ها یا از طریق دفترشان و گاه با ارسال دستخط، بابت سرودن اشعار ایینی و انقلابی از بنده تشکر و قدردانی کرده‌اند. توجه ایشان به اینگونه اشعار، همراه با نکته‌سنجی و قدرشناسی‌شان همان قدر برایم ارزشمند است که از بی‌خبری، قدرشناسی و نخوت برخی مسؤولان فرهنگی کشور ملول و آزاده‌خاطر، البته سرودن شعر برای شهیدان، در برابر عظمت حماسه آنان، هنری نیست که بخواهم بابت آن به خود ببالم. یا از کسی طلبکار باشم ولی نمی‌توان از کنار اینگونه طرف‌افشاهای رفتاری رهبر انقلاب از یک سو و بی‌مهری‌های مسؤولان اجرایی و فرهنگی از سوی دیگر، بی تفاوت گذشت. بسیاری از صاحبان قدرت و جناح‌های سیاسی نشان داده‌اند چهره‌های فرهنگی را فقط برای ایام تبلیغات و جلب آرای مردم می‌خواهند و چون به مراد خود رسیدند، دغدغه‌های ما را فراموش می‌کنند. در حالی که بلندپایه‌ترین مقام رسمی و معنوی نظام، بدون در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی افراد، در همه حال ناظر و مشوق نیروهای وفادار به ارزش‌های انقلاب اسلامی است. لازم است بنده نیز به‌رغم همه تلخکامی‌های بار دیگر اعلام کنم همین حسن ظن و قدرشناسی رهبر فرزانه انقلاب را از همه بیست‌ها و مقام‌ها و رانت‌ها ارزشمندتر می‌دانم و به فضل الهی، موهبت شاعر اهل بیت(ع) و انقلاب بودن را با تعلق به هیچ جناح، جایگاه و منصبی عوض نخواهم کرد. بنده پیر خراباتم که لطفش دائم است ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست...

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سعید مستغاثی به بهانه انتشار «حکایت سینما توگراف»

روایتی از تاریخ سانسور شده سینمای قبل از انقلاب

مرحوم شایانفر یکی از مشوق‌های من برای انتشار این کتاب بود



سید سعید مستغاثی

شاکردی را به جا آوریم و حکایت سینما توگراف منتشر شد.

■ به نظر خودتان مهم‌ترین فرق کتاب شما با دایره‌المعارف‌هایی که تا به حال برای سینما نوشته شده چیست و اساس مزیت قیبل از انقلاب اثر را نسبت به سایر آثار تاریخ سینمای ایران چه می‌دانید؟

یک زمانی می‌گویم تاریخ اسلام و یک زمانی تاریخ تحلیلی اسلام را مطرح می‌کنیم. در تاریخ صرفا رویدادها بیان می‌شود اما در تاریخ تحلیلی پس‌زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... مطرح می‌شود. دایره‌المعارف ردیف کردن اطلاعات بدون تحلیل و بررسی خاصی است. ضمن آنکه ما در تاریخ سینما جرح و تعدیل و سانسور بسیار داریم. البته بعضی از این داده‌ها در کتاب‌ها هم آمده است. به طور مثال سرمایه‌گذاران میترافیلیم و پارسین، پهلوی بودند. ما وقتی به دنبال اسامی آنها می‌گشتیم می‌دیدیم که آنها در کودتا هم نقش داشتند یا مسائل دیگری که جای آن در تاریخ تحلیلی است. این یک استاندارد جهانی است و ایران و غیر ایران ندارد.

■ جلد بعدی کتاب که تاریخ سینما بعد از انقلاب محسوب می‌شود، کی منتشر خواهد شد؟

این جلد کار زیادی می‌برد. قبل از انقلاب خیلی حرف‌ها گفته شده است و با توجه به اینکه زمان زیادی از آن گذشته می‌توان نگاهی نسبتاً جامع و دقیق به آن داشت. اما در دوره فعلی خیلی حرف‌ها گفته نشده، خیلی‌ها صحبت نمی‌کنند و اگر بخواهیم کتابی را بر اساس اسناد معتبر منتشر کنیم کار سختی است. ما در این ۳۰ سال گام‌به‌گام با سینما جلو آمدیم و به قولی با سینما زندگی کردیم و پیر شدیم؛ از دآوری‌ها و بازی‌ها با پهلوی، قاجار و حتی پس از انقلاب را مورد بررسی قرار دادیم. زمانی که بنا داشتیم سریال مستند «راز آرماگدون» را تولید کنیم، ناخودآگاه انبوهی از کتب، نوشته‌ها و گفت‌وگوهای تاریخ جهان را مطالعه کردیم. حدود ۱۵ سریال مستند تاریخی دیگری هم بعد از آن تولید کردیم و در این میان علاقه پیشینی که به سینما داشتیم، باعث شد خوراک تاریخ سینما را در این سال‌ها به دست آوریم. البته کتاب دیگری نیز در ارتباط با تاریخ سینمای جهان دارم که ان‌شاءالله در ماه‌های آینده منتشر خواهد شد.

■ با توجه به فرارسیدن روز ملی سینما، به عنوان فردی که به تاریخ سینمای قبل و بعد از انقلاب احاطه دارد، وضعیت کنونی سینمای ایران را چگونه می‌بینید؟

من معتقدم تاریخ اگر به درد امروزان نخورد، به هیچ دردی نخواهد خورد. یکی از دلایلی که به تاریخ سینمای ایران پرداختیم، رسیدن به علل آسیب‌های امروزی است. آسیب‌هایی که مدام مطرح می‌شود؛ چرا سینمای ایران با سینمای انقلاب چندان سنسختی ندارد؟ چرا از مردم دور است و نسبت به هنرهای‌شان بی‌دغدغه است؟ این مسائل چیزهایی است که باید ریشه‌های آن را در تاریخ سینما پیدا کرد. اگر این کتاب را بخوانید برخی می‌توانید ریشه‌های این مسائل را در آن پیدا کنید. اتفاقاً می‌توان گفت ریشه‌های وضعیت کنونی سینما در آن موقع - قبل از انقلاب - است، بنابراین سینمای بعد از انقلاب، چیزی در دنباله همان سینماست. اگرچه انقلاب ساختارها را بهم ریخت اما تفکر جاری در آن سینما به این سینما منتقل شد و شاکله سینما را دور از مردم و هنرهای‌شان نگه داشت.

ما در این سال‌ها از لحاظ تکنیک و فرم به سرعت رشد کردیم و می‌توان گفت تکنیک سینما پس از انقلاب تازه شکل گرفت اما محتوای آن از قبل انقلاب به این دوره ثابت مانده است. همه فیلمسازان و مسؤولان قلیل احترامند اما جریان سینما همچنان در اختیار جریان سکولار و پرفاصله از جریان‌های مردمی و دینی است. بابت همین می‌بینید در سینمای امروز ما جای خیلی چیزها خالی است. برخلاف بسیاری از کشورها که از کوچه و خیابان سرب می‌آورند، سینمای ایران از دربار بیرون می‌آید. برای اسلام زدایی، دین زدای و... وارد شده است. بعد از انقلاب جبهه فکری و فرهنگی انقلاب تلاش بسیاری کردند. در زمینه مستند، انیمیشن و... بسیار شاخص شده‌ایم اما هنوز در سینمای داستانی با نقطه‌ضعف‌هایی مواجهیم.

کاربردی تفاوت دارد و اخلاق و رفتار با مردم مانند رفتار با همسایه در بحث اخلاق کاربردی می‌گنجد و موضوعی مثل کنترل خشم که نیاز به آموزش دارد جزو مهارت‌های زندگی است. وی با اشاره به اینکه در عصر تکنولوژی و فرهنگ اقتضائات بومی را نباید فراموش کنیم، گفت: مهارت‌های زندگی را باید بومی کنیم اما مساله سبک زندگی مستقیماً به مصرف ربط دارد و نوع انتخاب‌ها و مصرف مربوط به سبک زندگی می‌شود که تولید باید همراه با نیاز مخاطب باشد و مصرف واقعی مد نظر قرار گیرد. وی در انتها افزود: استراتژ آپ دینی کالا روی نقطه‌ای دست گذاشته که ناظر به آینده است و امیدواریم که دینی کالا این مسیر را در آینده باز کند. گفتنی است دینی کالا با آدرس www.dinikala.com و اینستاگرام [@dinikala](https://www.instagram.com/dinikala) قابل دسترسی است.

است. برخی از این منابع هم گفت‌وگوها و نوشته‌هایی است که خودم آن را منتشر کردم.

■ این گستره وسیع منابع، کار بسیار برزحمتی می‌طلبند؛ جمع‌آوری این منابع توسط یک تیم صورت گرفته یا شخص شما همه کار آن را انجام داده‌اید؟

این کار حاصل دغدغه سینمایی و تاریخی شخص من در طول ۳۰ سال گذشته است. یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های من از ابتدای دهه ۶۰ مطالعات تاریخی بود. ابتدا تاریخ انقلاب مسالهام بود و بابت همین تقریباً عمده آثار تاریخی مرتبط با پهلوی، قاجار و حتی پس از انقلاب را مورد بررسی قرار دادم. زمانی که بنا داشتیم سریال مستند «راز آرماگدون» را تولید کنیم، ناخودآگاه انبوهی از کتب، نوشته‌ها و گفت‌وگوهای تاریخ جهان را مطالعه کردیم. حدود ۱۵ سریال مستند تاریخی دیگری هم بعد از آن تولید کردیم و در این میان علاقه پیشینی که به سینما داشتیم، باعث شد خوراک تاریخ سینما را در این سال‌ها به دست آوریم. البته کتاب دیگری نیز در ارتباط با تاریخ سینمای جهان دارم که ان‌شاءالله در ماه‌های آینده منتشر خواهد شد.

■ آن هم در قالب مجموعه نیمه پنهان منتشر می‌شود؟

خیر! انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی توزیع آن را برعهده گرفته است. در واقع آن کتاب به نوعی از مجموعه ایک آرآرآرمان که پیش از این تولید کرده بودیم، اقتباس شده است. به هر جهت در یک فرایند ۲۰ ساله اندوخته خوبی از تاریخ و تاریخ سینمای جهان گردآوری کرده که بخش‌هایی از آنها پیش از این در قالب‌های مختلف منتشر شده است که بخشی از آن مستند راز آرماگدون بود، بخشی اینک آرآرآرمان و بخشی تاریخ سینمای ایران و بخشی دیگر نیز قرار است در قالب تاریخ سینمای جهان منتشر شود.

■ نگارش کتاب تاریخ سینمای ایران چه قدر طول کشید؟

مرحوم شایانفر یکی از مشوق‌های من بود و می‌گفت کارهایی را که به صورت مستند انجام می‌دهی در قالب کتاب منتشر کن و من در سال ۹۴ شروع به جمع‌آوری فیش‌های کتاب کردم. این مجموعه ابتدا در قالب مطالبی جداگانه در روزنامه کیهان منتشر شد. البته هنگامی که این یادداشت‌ها بنا بود به صورت کتاب منتشر شود، مرحوم شایانفر به رحمت خدا رفتند اما خب! اصرار و علاقه ایشان را عملی کردیم و سعی کردیم حق

حذف کنند یا منافع‌شان در این کار بوده است اما ما تلاش کردیم چیزی از تاریخ را حذف نکنیم و همانطور که بوده روایت کنیم. اینکه می‌گویید در حجم زیادی از کتاب از یک فرقه یا گروه خاص نام برده شده، واقعیتی مستند از تاریخ است و نمی‌توان آن را کتمان کرد و اگر چنین کنیم در آن دست برده و تحریف می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌آیم می‌گویم «ردشیر جی ریپورتر» چنین رزومه‌ای داشته، نه چیزی به آن اضافه می‌کنیم و نه چیزی کم. اینها همه بر اساس تاریخ مستند و گفته‌های خودشان بوده است و ما وظیفه داریم تاریخ را سانسور نکنیم. اگر این عدم سانسور باعث می‌شود مخاطب آن را پس بزند، بابت این است که تاریخ را برای مخاطب ایرانی سانسور کردند. باید بتدریج این سانسور از میان برود و مردم با تاریخ بدون جرح و تعدیل روبه‌رو شوند. الان مطرح کردن بسیاری از مسائل

سانسور شده در تاریخ تعجب‌آور است. من یادم است وقتی شهید مرتضی انبیا در دادگاه سینما و فرهنگ پدیده‌هاست، در حالی که برای مخاطبان عام‌تر معمولاً اسامی فیلم‌ها و تاریخ نمایش‌شان و چیزهایی از این قبیل مهم است. آن یک بعد از تاریخ سینماست و این کتاب هم بعد دیگری از آن است. این بعد به ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های پدیده سینما می‌پردازد؛ اینکه مقوله وارداتی بودن سینما چه مسائلی دارد؟ برای چه وارد شده است؟ چه افرادی آن را وارد کردند؟ چه کسانی آن را گسترش دادند؟ جریان‌های تولید و توزیع از چه سنجی بودند؟ ... به‌دست آوردن هویت‌های تاریخی، فرهنگی و... باعث می‌شود این پدیده را دقیق‌تر و عمیق‌تر بشناسیم. این زاویه‌ای جدید از پرداختن به سینماست، زاویه‌ای متفاوت از قبل که در آن عمدتاً به بیان اطلاعات عمومی بسنده می‌شد.

■ بگذارید سوالم را از زاویه دیگری بیان کنم؛ شما در بخش‌های متعددی از کتاب زمانی که می‌خواهید به ریشه‌های ورود سینما در ایران اشاره کنید، مدام از ریشه‌های یهودی و فراماسونری چهره‌های مؤثر در این جریان یاد می‌کنید؛ هر چند کلیت این ادعا را رد نمی‌کنم ولی آیا تکرار چنین واژه‌هایی مانند فراماسون و یهود و نسبت دادن بسیاری از مسائل به آنها، مخاطب را پس نمی‌زند؟

اینکه می‌فرمایید حجم زیاد، در هر حال این تاریخ است، ما که نمی‌توانیم در تاریخ دست ببریم تا مخاطب خوشش بیاید، نخستین وظیفه پژوهشگر این است که باید تاریخ را آنگونه که هست نقل کند. متأسفانه تاریخی که تا الان در کشور ما درباره سینما نقل شده، در بسیاری موارد به هر دلیلی سانسور شده است. حالا شاید تاریخ‌نویسان صلاح می‌دیدند بخشی از تاریخ را

به آن اضافه کنید؟

بله بدون شک اگر منابع جدیدی در این زمینه به دست من برسد؛ حتماً این کار را خواهم کرد. البته به طور کلی ما در این کتاب سعی کردیم از زیاده‌گویی پرهیز شود و به نوعی به صورت کپسولی مطالب مطرح شود اما منابع و فرانس‌ها به گونه‌ای است که علاقه‌مندان می‌توانند برخی برای فهم مسیوط‌تر به آن مراجعه کنند. عمده مطالب از اسناد پنهان نیست، بلکه از خاطرات و گفته‌های شخصی خودشان است.

■ منابع اصلی نگارش این اثر چه کتاب‌هایی بودند؟

ما منابع اصلی نداشتیم. اگر پانوشته‌های صفحات را با دقت مشاهده کنید، متوجه خواهید شد گستره وسیعی از کتاب‌های تاریخی، فرهنگی و... مورد استفاده قرار گرفته است. از کتاب‌های عبدالله شهبازی تا وصیتنامه اردشیر جی ریپورتر در کشور ما درباره سینما نقل شده، در بسیاری موارد به هر دلیلی سانسور شده است. حالا شاید تاریخ‌نویسان صلاح می‌دیدند بخشی از تاریخ را حذف کنند یا منافع‌شان در این کار بوده است اما ما تلاش کردیم چیزی از تاریخ را حذف نکنیم و همانطور که بوده روایت کنیم. اینکه می‌گویید در حجم زیادی از کتاب از یک فرقه یا گروه خاص نام برده شده، واقعیتی مستند از تاریخ است و نمی‌توان آن را کتمان کرد و اگر چنین کنیم در آن دست برده و تحریف می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌آیم می‌گویم «ردشیر جی ریپورتر» چنین رزومه‌ای داشته، نه چیزی به آن اضافه می‌کنیم و نه چیزی کم. اینها همه بر اساس تاریخ مستند و گفته‌های خودشان بوده است و ما وظیفه داریم تاریخ را سانسور نکنیم. اگر این عدم سانسور باعث می‌شود مخاطب آن را پس بزند، بابت این است که تاریخ را برای مخاطب ایرانی سانسور کردند. باید بتدریج این سانسور از میان برود و مردم با تاریخ بدون جرح و تعدیل روبه‌رو شوند. الان مطرح کردن بسیاری از مسائل سانسور شده در تاریخ تعجب‌آور است. من یادم است وقتی شهید مرتضی انبیا در دادگاه سینما و فرهنگ پدیده‌هاست، در حالی که برای مخاطبان عام‌تر معمولاً اسامی فیلم‌ها و تاریخ نمایش‌شان و چیزهایی از این قبیل مهم است. آن یک بعد از تاریخ سینماست و این کتاب هم بعد دیگری از آن است. این بعد به ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های پدیده سینما می‌پردازد؛ اینکه مقوله وارداتی بودن سینما چه مسائلی دارد؟ برای چه وارد شده است؟ چه افرادی آن را وارد کردند؟ چه کسانی آن را گسترش دادند؟ جریان‌های تولید و توزیع از چه سنجی بودند؟ ... به‌دست آوردن هویت‌های تاریخی، فرهنگی و... باعث می‌شود این پدیده را دقیق‌تر و عمیق‌تر بشناسیم. این زاویه‌ای جدید از پرداختن به سینماست، زاویه‌ای متفاوت از قبل که در آن عمدتاً به بیان اطلاعات عمومی بسنده می‌شد.

■ احسان سالمی: «حکایت سینما توگراف» عنوان جدیدترین اثر سعید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد شناخته شده سینماست که به واکاوی تاریخ سینمای ایران می‌پردازد و جلد اول آن که در ارتباط با تاریخ سینمای قیبل از انقلاب است بتازگی راهی بازار کتاب شده است. به بهانه فرارسیدن روز ملی سینما سراغ مستغاثی رفتیم تا درباره این اثر و دیدگاهش درباره وضعیت فعلی سینمای ایران گفت‌وگو کنیم.

■ چه شد که تصمیم گرفتید سراغ بررسی تاریخ سینمای قبل از انقلاب بروید؟

کسی که ۳۰ سال با سینما در تماس است بی‌شک دغدغه‌اش سینما بوده و خواهد بود. در این سال‌ها به مناسبت‌های مختلفی تاریخ سینما مکتوب شده است. هر کدام از این مکتوبات شکل خاص خود را داشته است دایره‌المعارفی، بازخوانی، فرهنگنامه‌ای و... در این میان به نظر می‌رسد نگاه تحلیلی و واکاوی تاریخی و پرداختن به تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سینما مورد غفلت واقع شده بود. مدت‌ها پیش در مقالات و مباحثی که داشتم فقدان چنین موضوعی را مطرح کردم. حتی در «راز آرماگدون» ۴ قسمت را به تاریخ سینما پرداختیم. وقتی هم که به تاریخ می‌پردازیم؛ طبیعی است که از ابتدای آن شروع کنیم، از بدو ورود سینما به ایران تا امروز. اما چون پرداختن به این گستره تاریخی بسیار زیاد می‌شد، ما تاریخ سینما را به ۲ قسمت تقسیم کردیم؛ یکی قبل از انقلاب و دیگری بعد از انقلاب. در واقع انقلاب می‌توانست تاریخ سینما را به بعد و قبل از خود تقسیم کند و با این تقسیم‌بندی نگارش جلد اول به پایان رسید.

■ شما در این کتاب به ریشه‌های تاریخی و تأثیرات اتفاقات سیاسی بر جریان شکل‌گیری سینما در ایران اشاره کرده و بخش‌های بسیاری از تاریخ سینمای ایران را به سیاست پیوند زده‌اید؛ فکر نمی‌کنید این حجم از اطلاعات سیاسی و تاریخی در ارتباط با شخصیت‌های مختلف سینمایی، باعث دلزدگی مخاطب شود؟

اول اینکه، به نظرم این کتاب بیشتر برای کسانی جذابیت دارد که دغدغه‌شان ریشه‌های تاریخی و پس‌زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدیده‌هاست، در حالی که برای مخاطبان عام‌تر معمولاً اسامی فیلم‌ها و تاریخ نمایش‌شان و چیزهایی از این قبیل مهم است. آن یک بعد از تاریخ سینماست و این کتاب هم بعد دیگری از آن است. این بعد به ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های پدیده سینما می‌پردازد؛ اینکه مقوله وارداتی بودن سینما چه مسائلی دارد؟ برای چه وارد شده است؟ چه افرادی آن را وارد کردند؟ چه کسانی آن را گسترش دادند؟ جریان‌های تولید و توزیع از چه سنجی بودند؟ ... به‌دست آوردن هویت‌های تاریخی، فرهنگی و... باعث می‌شود این پدیده را دقیق‌تر و عمیق‌تر بشناسیم. این زاویه‌ای جدید از پرداختن به سینماست، زاویه‌ای متفاوت از قبل که در آن عمدتاً به بیان اطلاعات عمومی بسنده می‌شد.

■ بگذارید سوالم را از زاویه دیگری بیان کنم؛ شما در بخش‌های متعددی از کتاب زمانی که می‌خواهید به ریشه‌های ورود سینما در ایران اشاره کنید، مدام از ریشه‌های یهودی و فراماسونری چهره‌های مؤثر در این جریان یاد می‌کنید؛ هر چند کلیت این ادعا را رد نمی‌کنم ولی آیا تکرار چنین واژه‌هایی مانند فراماسون و یهود و نسبت دادن بسیاری از مسائل به آنها، مخاطب را پس نمی‌زند؟

اینکه می‌فرمایید حجم زیاد، در هر حال این تاریخ است، ما که نمی‌توانیم در تاریخ دست ببریم تا مخاطب خوشش بیاید، نخستین وظیفه پژوهشگر این است که باید تاریخ را آنگونه که هست نقل کند. متأسفانه تاریخی که تا الان در کشور ما درباره سینما نقل شده، در بسیاری موارد به هر دلیلی سانسور شده است. حالا شاید تاریخ‌نویسان صلاح می‌دیدند بخشی از تاریخ را حذف کنند یا منافع‌شان در این کار بوده است اما ما تلاش کردیم چیزی از تاریخ را حذف نکنیم و همانطور که بوده روایت کنیم. اینکه می‌گویید در حجم زیادی از کتاب از یک فرقه یا گروه خاص نام برده شده، واقعیتی مستند از تاریخ است و نمی‌توان آن را کتمان کرد و اگر چنین کنیم در آن دست برده و تحریف می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌آیم می‌گویم «ردشیر جی ریپورتر» چنین رزومه‌ای داشته، نه چیزی به آن اضافه می‌کنیم و نه چیزی کم. اینها همه بر اساس تاریخ مستند و گفته‌های خودشان بوده است و ما وظیفه داریم تاریخ را سانسور نکنیم. اگر این عدم سانسور باعث می‌شود مخاطب آن را پس بزند، بابت این است که تاریخ را برای مخاطب ایرانی سانسور کردند. باید بتدریج این سانسور از میان برود و مردم با تاریخ بدون جرح و تعدیل روبه‌رو شوند. الان مطرح کردن بسیاری از مسائل

سانسور شده در تاریخ تعجب‌آور است. من یادم است وقتی شهید مرتضی انبیا در دادگاه سینما و فرهنگ پدیده‌هاست، در حالی که برای مخاطبان عام‌تر معمولاً اسامی فیلم‌ها و تاریخ نمایش‌شان و چیزهایی از این قبیل مهم است. آن یک بعد از تاریخ سینماست و این کتاب هم بعد دیگری از آن است. این بعد به ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های پدیده سینما می‌پردازد؛ اینکه مقوله وارداتی بودن سینما چه مسائلی دارد؟ برای چه وارد شده است؟ چه افرادی آن را وارد کردند؟ چه کسانی آن را گسترش دادند؟ جریان‌های تولید و توزیع از چه سنجی بودند؟ ... به‌دست آوردن هویت‌های تاریخی، فرهنگی و... باعث می‌شود این پدیده را دقیق‌تر و عمیق‌تر بشناسیم. این زاویه‌ای جدید از پرداختن به سینماست، زاویه‌ای متفاوت از قبل که در آن عمدتاً به بیان اطلاعات عمومی بسنده می‌شد.

■ بگذارید سوالم را از زاویه دیگری بیان کنم؛ شما در بخش‌های متعددی از کتاب زمانی که می‌خواهید به ریشه‌های ورود سینما در ایران اشاره کنید، مدام از ریشه‌های یهودی و فراماسونری چهره‌های مؤثر در این جریان یاد می‌کنید؛ هر چند کلیت این ادعا را رد نمی‌کنم ولی آیا تکرار چنین واژه‌هایی مانند فراماسون و یهود و نسبت دادن بسیاری از مسائل به آنها، مخاطب را پس نمی‌زند؟

اینکه می‌فرمایید حجم زیاد، در هر حال این تاریخ است، ما که نمی‌توانیم در تاریخ دست ببریم تا مخاطب خوشش بیاید، نخستین وظیفه پژوهشگر این است که باید تاریخ را آنگونه که هست نقل کند. متأسفانه تاریخی که تا الان در کشور ما درباره سینما نقل شده، در بسیاری موارد به هر دلیلی سانسور شده است. حالا شاید تاریخ‌نویسان صلاح می‌دیدند بخشی از تاریخ را حذف کنند یا منافع‌شان در این کار بوده است اما ما تلاش کردیم چیزی از تاریخ را حذف نکنیم و همانطور که بوده روایت کنیم. اینکه می‌گویید در حجم زیادی از کتاب از یک فرقه یا گروه خاص نام برده شده، واقعیتی مستند از تاریخ است و نمی‌توان آن را کتمان کرد و اگر چنین کنیم در آن دست برده و تحریف می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌آیم می‌گویم «ردشیر جی ریپورتر» چنین رزومه‌ای داشته، نه چیزی به آن اضافه می‌کنیم و نه چیزی کم. اینها همه بر اساس تاریخ مستند و گفته‌های خودشان بوده است و ما وظیفه داریم تاریخ را سانسور نکنیم. اگر این عدم سانسور باعث می‌شود مخاطب آن را پس بزند، بابت این است که تاریخ را برای مخاطب ایرانی سانسور کردند. باید بتدریج این سانسور از میان برود و مردم با تاریخ بدون جرح و تعدیل روبه‌رو شوند. الان مطرح کردن بسیاری از مسائل

سانسور شده در تاریخ تعجب‌آور است. من یادم است وقتی شهید مرتضی انبیا در دادگاه سینما و فرهنگ پدیده‌هاست، در حالی که برای مخاطبان عام‌تر معمولاً اسامی فیلم‌ها و تاریخ نمایش‌شان و چیزهایی از این قبیل مهم است. آن یک بعد از تاریخ سینماست و این کتاب هم بعد دیگری از آن است. این بعد به ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های پدیده سینما می‌پردازد؛ اینکه مقوله وارداتی بودن سینما چه مسائلی دارد؟ برای چه وارد شده است؟ چه افرادی آن را وارد کردند؟ چه کسانی آن را گسترش دادند؟ جریان‌های تولید و توزیع از چه سنجی بودند؟ ... به‌دست آوردن هویت‌های تاریخی، فرهنگی و... باعث می‌شود این پدیده را دقیق‌تر و عمیق‌تر بشناسیم. این زاویه‌ای جدید از پرداختن به سینماست، زاویه‌ای متفاوت از قبل که در آن عمدتاً به بیان اطلاعات عمومی بسنده می‌شد.

رویدادها

بزرگ‌ترین تالار تئاتر کشور تالار عروسی شده است!

قاسم زارع گفت: متأسفانه مسؤولان در برخورد با حوزه فرهنگ و هنر کج‌سلیقگی می‌کنند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، قاسم زارع، بازیگر سینما و تئاتر درباره جایگاه تئاتر گفت: متأسفانه تئاتر در جایگاهی که باید و شاید نیست و من صحیح نمی‌دانم که بخواهم بعد از گذشت ۴۰ سال که از عمر هنری من می‌گذرد، این حرف‌ها را بگویم. ما همچنان در وادی فرهنگ و هنر سرگردیم هستیم! هنوز هم در حال آزمون و خطا با دیدگاه تجربی به این عرصه نگاه می‌کنیم. ما هنوز به انسجام فکری و عملی نرسیده‌ایم. من همیشه گفتم‌ام که شاید مسؤولان با حوزه فرهنگ و هنر کج‌سلیقگی دارند. درست است که ابتدا باید فضای اقتصاد شهر رو به راه باشد تا حوزه فرهنگ و هنر نفس بکشد اما اگر هیچکس نمی‌تواند نفس بکشد، من واقعا نمی‌دانم حوزه فرهنگ و هنر چه زمانی برای برنامه‌ریزی‌های درست اقدام می‌کند. زارع در پایان درباره اهمیت و توجه مسؤولان به تئاتر دولتی اظهار کرد: باید مشخص شود که آیا ما تئاتر دولتی می‌خواهیم یا نه؟ تئاتر دولتی بودجه دارد یا نه؟ برنامه‌ریزی تئاتر دولتی را چه کسی باید انجام بدهد؟ چرا دغدغه امروز مردم، پول شده است؟ البته اصلی‌ترین سوال اینجاست، چرا به بزرگ‌ترین تالار تئاتر شهرمان، تالار عروسی می‌گویند؟! فاجعه این در آوار است که بعد از گذشت سال‌های بسیار، حوزه فرهنگ و هنر ما بیمار است.

مساعادت سردار سلیمانی برای انتشار یک کتاب



کتاب «ر» که شامل شرحی بر زندگی شهید رسول حیدری، از فرماندهان شهید ایران در جریان جنگ بوسنی است، به زبان بوسنیایی ترجمه و منتشر شد. به گزارش مهر، مهدی حیدری فرزند شهید رسول حیدری از انتشار ترجمه بوسنیایی کتاب «ر» نوشته مریم برداردن که شرحی است بر زندگی این شهید خبر داد و گفت: کتاب «ر» نوشته مریم برداردن که توسط نشر «ارما» به چاپ رسیده است، سرگذشت پرفرازونشیب شهید رسول حیدری است. این کتاب به‌طور خلاصه داستان شیرین زندگی کوتاه‌ولی سراسر شور و بی‌قراری یک روح بزرگ را به تصویر کشیده است و دنیای تازه‌ای پیش روی خواننده‌اش باز می‌کند. وی افزود: ناشر رسمی کتاب انجمن مادران مناطق محاصره شده سر برنیتسا و ژپاست که تناسب بسیاری از فعالیت‌های این انجمن در زمینه شهدای جنگ بوسنی با فضای این کتاب، دلیل اصلی نشر کتاب از سوی آن است. این کتاب با مجوز نشر «ارما» و نویسنده کتاب با همکاری تعدادی از دوستان شهید حیدری از جمله دکتر اسلام‌الدوستین مصطفی کمالی و امجد جلودان به انجام رسیده است. به گفته حیدری، این کتاب با مساعادت سردار قاسم سلیمانی به زبان بوسنیایی ترجمه شده است.

گلایه کارگردان «دریاچه ماهی» از تبعیض در اکران فیلم‌ها

مریم دوستی، کارگردان فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» که قرار است از ۲۲ شهریورماه اثرش به‌نمایش عمومی درآید نسبت به بی‌توجهی سینماداران به آثار سینمایی دفاع‌مقدس گلایه کرد. به گزارش فارس، مریم دوستی با گلایه از عدم حمایت سینماداران از آثار دفاع‌مقدسی گفت: طی ۲ روز آینده فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» به اکران عمومی درمی‌آید و قرار است به عنوان یک اثر دفاع‌مقدسی در هفته مربوط به آن اکران شود. حال این سوال مطرح می‌شود چرا در چنین شرایطی فیلم‌من‌باید تا این لحظه تنها ۱۶ سینما داشته باشد؟! شاید باورش در دناک و سخت باشد اما شرایط به گونه‌ای است که من به عنوان یک فیلمساز عرصه دفاع‌مقدس باید از سینمادارها خواهش کنم تا فیلم من را در سالن خود به نمایش در بیاورند اما آنها می‌گویند که علاقه‌دارند فیلم‌های کمدی اکران کنند آنها حتی از در اختیار قرار دادن یک سالن برای چنین فیلمی پرهیز می‌کنند. واقعا نمی‌دانم آن همه مدیر که در عرصه سینما در حرف‌های‌شان از شعارهایی در ارتباط با مقاومت و سینمای دفاع مقدس حرف می‌زنند در چنین روزهای کجاستند، چرا فیلمسازان دفاع‌مقدسی ما در این روزها این مدیران را کنار خود نمی‌بینند، متولیان این سینما کجاستند؟